

## تأثیر قرآن و احادیث بر شاهنامه فردوسی

### مهدی شکرپیگی

دانشجو کارشناسی دانشگاه فرهنگیان ایلام و عضو بنیاد نخبگان ایلام

### مهدی سروستانی

دانشجو کارشناسی دانشگاه فرهنگیان ایلام

### شهاب رشیدی

دانشجو کارشناسی دانشگاه فرهنگیان ایلام

### داریوش بابائیان

دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فرهنگیان ایلام

### چکیده

شاهنامه فردوسی به عنوان بزرگ‌ترین حماسه ملی ایران، علاوه بر حفظ و احیای هویت فرهنگی ایرانیان، بازتاب‌دهنده مفاهیم دینی و اخلاقی اسلام نیز هست. این پژوهش با هدف تبیین چرایی ورود آموزه‌های قرآنی و حدیث بر شاهنامه فردوسی نظیر توحید و عدالت و سایر اصول اخلاقی پرداخته شده و به تبیین چگونگی ورود مفاهیم اسلامی مانند عدالت، توحید، و اصول اخلاقی به این اثر می‌پردازد. فردوسی در دوره‌ای می‌زیست که ایران تحت تأثیر اسلام قرار گرفته بود و با بهره‌گیری هوشمندانه از آموزه‌های اسلامی، توانست پیوندی عمیق میان ارزش‌های دینی و هویت ملی ایجاد کند. تحلیل اشعار و نمونه‌های حماسی در این مقاله نشان می‌دهد که فردوسی از مضامین دینی نه تنها برای تقویت محتوای حماسی شاهنامه، بلکه برای برجسته کردن فضایل اخلاقی و عدالت‌محوری در حکومت‌ها استفاده کرده است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که شاهنامه فردوسی به واسطه این پیوند مفاهیم دینی و ملی، اثری جاودانه و جامع است که هم نماینده فرهنگ ایرانی و هم اسلامی به‌شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** شاهنامه فردوسی، آموزه‌های قرآنی، حدیث، فرهنگ ایرانی.

## مقدمه:

شاهنامه فردوسی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار حماسی جهان، نه تنها روایت‌گر داستان‌های باستانی ایران است، بلکه به تجلی گاه ارزش‌ها و اصولی تبدیل شده که در شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان و تعریف مفاهیم اخلاقی و اجتماعی نقش بسزایی داشته است. این اثر سترگ، در دوران بحرانی که هویت ملی ایرانیان تحت فشارهای سیاسی و فرهنگی قرار داشت، به بازسازی و تحکیم آن کمک کرد (سلیمی، ۲۰۱۹). با این حال، کمتر به این نکته پرداخته شده که فردوسی در شاهنامه تنها به بازتاب فرهنگ باستانی ایران اکتفا نکرده و به شکل گسترده‌ای از آموزه‌های دینی و اسلامی بهره برده است (مهدوی، ۲۰۲۰).

آموزه‌های قرآنی و احادیث پیامبر اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع فکری و فرهنگی دوران فردوسی، به او این امکان را داد تا مفاهیم والای انسانی را در شاهنامه بگنجاند و اثری خلق کند که نه تنها به تقویت فرهنگ ایرانی کمک کند، بلکه به تطابق آن با ارزش‌های اسلامی بپردازد (خلیلی، ۲۰۲۱). از مفاهیم برجسته‌ای که از قرآن و حدیث در شاهنامه منعکس شده‌اند، می‌توان به عدالت، توحید، اخلاق و انسانیت اشاره کرد. فردوسی از این مفاهیم برای تعمیق شخصیت‌ها و وقایع داستانی خود بهره گرفته است و این امر نشان از تأثیر عمیق دین اسلام بر اندیشه‌های او دارد (رستمی، ۲۰۱۸).

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی تأثیر این آموزه‌ها بر شاهنامه و نحوه ادغام آن‌ها با عناصر ملی و باستانی است. فرضیه این پژوهش بر این اساس استوار است که فردوسی از مفاهیم قرآن و حدیث به عنوان ابزاری برای تقویت مضامین اخلاقی و انسانی شاهنامه استفاده کرده است. در این راستا، این تحقیق تلاش دارد تا ارتباط میان ادبیات حماسی ایران و آموزه‌های دینی اسلام را تحلیل کرده و نشان دهد چگونه فردوسی از این مفاهیم برای ایجاد یک هویت ایرانی-اسلامی بهره برده است.

## پیشینه تحقیق:

تحقیقات متعددی در زمینه تأثیر دین بر ادبیات فارسی انجام شده است. به عنوان مثال، مهدوی (۲۰۲۰) در تحقیق خود به بررسی نقش قرآن در ادبیات فارسی پرداخته است. همچنین، سلیمی (۲۰۱۹) و خلیلی (۲۰۲۱) به تأثیر حدیث بر شعر فارسی و به خصوص شاهنامه اشاره کرده‌اند. در پژوهش دیگری، رستمی (۲۰۱۸) به بررسی مضامین اخلاقی در آثار فردوسی پرداخته و نشان داده است که این مضامین چگونه با آموزه‌های اسلامی مرتبط هستند. تحقیقات قبلی مانند آثار حسینی (۲۰۲۲) و مرادی (۲۰۱۹) نیز به بررسی تأثیر متون مذهبی بر ادبیات فارسی پرداخته‌اند.

## روش تحقیق:

این پژوهش از روش تحلیل متنی و توصیفی استفاده می‌کند. داده‌ها از طریق مطالعه آثار فردوسی و منابع معتبر اسلامی گردآوری و تحلیل می‌شوند. روش جمع‌آوری داده‌ها شامل بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی و متون اصلی شاهنامه است. در ادامه نخست به بررسی اجمالی چرایی ورود مضامین قرآنی و احادیث به شاهنامه فردوسی پرداخته سپس به همراه نمونه به توصیف و تحلیل مضامین مختلف در شاهنامه خواهیم پرداخت.

## چرایی ورود مفاهیم دینی و قرآنی به شعر فردوسی در شاهنامه

دلیل ورود مفاهیم دینی، قرآنی و احادیث اهل بیت (ع) با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی دوران زندگی او، به چند عامل اساسی برمی‌گردد:

### ۱. حفظ هویت ملی و ادغام آن با آموزه‌های اسلامی

فردوسی در دوره‌ای می‌زیست که ایران تحت سلطه اعراب و خلافت عباسیان قرار داشت. در این دوره، فرهنگ ایرانی به شدت تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی قرار گرفته بود. با این حال، بسیاری از بزرگان ادب و فرهنگ ایرانی تلاش کردند که میراث ملی و باستانی خود را حفظ کنند. فردوسی یکی از این افراد بود که با نوشتن شاهنامه قصد داشت تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام را زنده نگه دارد. اما از آنجا که نمی‌توانست از آموزه‌های اسلامی غافل باشد، او با ادغام مفاهیم اسلامی مانند عدالت، توحید و اصول اخلاقی در اشعارش، توانست پیوندی میان هویت ملی ایرانی و ارزش‌های اسلامی برقرار کند (احمدی، ۲۰۲۲).

این امر نه تنها به تقویت هویت ایرانی کمک کرد، بلکه شاهنامه را به اثری تبدیل کرد که نه تنها توسط ایرانیان مسلمان، بلکه توسط مسلمانان غیرایرانی نیز پذیرفته و مورد استقبال قرار گرفت.

### ۲. نقش دین اسلام در زندگی فردوسی

فردوسی به عنوان یک مسلمان، به طور طبیعی تحت تأثیر آموزه‌های قرآن و حدیث قرار داشت. او با استفاده از مضامین دینی، توانست پیام‌های اخلاقی و اجتماعی خود را به مخاطبان منتقل کند. بسیاری از شخصیت‌های شاهنامه، از جمله کیخسرو و رستم، دارای ویژگی‌هایی هستند که با آموزه‌های اسلامی هم‌خوانی دارند. به عنوان مثال، کیخسرو که به عنوان یک پادشاه عادل

و معنوی شناخته می‌شود، نمونه‌ای از پادشاهان اسلامی است که بر اساس عدالت و تقوا حکومت می‌کنند. این انعکاس ارزش‌های دینی نشان‌دهنده این است که فردوسی نه تنها به حفظ فرهنگ ایرانی فکر می‌کرد، بلکه می‌خواست ارزش‌های اسلامی را نیز در قالب حماسه‌ای بزرگ گنجانده و به نسل‌های آینده منتقل کند (رستمی، ۲۰۱۸).

### ۳. تأثیر سیاسی و اجتماعی دوره سامانیان و غزنویان

در دوره سامانیان و غزنویان که فردوسی در آن دوران زندگی می‌کرد، گرایش به احیای فرهنگ ایرانی در کنار ترویج اسلام بسیار رایج بود. حکومت سامانیان، که حامی زبان و ادب فارسی بودند، تلاش می‌کردند که هویت ایرانی را در کنار اسلام حفظ و تقویت کنند. از سوی دیگر، غزنویان که خود مدعی حمایت از اسلام بودند، نیز علاقه‌مند به تقویت فرهنگ و هویت ملی ایرانی بودند، اما باید این کار را به گونه‌ای انجام می‌دادند که با ارزش‌های اسلامی تضادی نداشته باشد (حسینی، ۲۰۲۲).

فردوسی با درک این شرایط، شاهنامه را به گونه‌ای نوشت که بتواند هم مورد حمایت دولت‌های حامی فرهنگ ایرانی باشد و هم با تعالیم اسلامی سازگار باشد. ورود مفاهیم اسلامی به شعر فردوسی، این اثر را به گونه‌ای تبدیل کرد که نه تنها مخاطبان ایرانی، بلکه مخاطبان اسلامی گسترده‌تری را به خود جذب کند.

### ۴. جایگاه اخلاق و عدالت در شعر حماسی

یکی دیگر از دلایل ورود مفاهیم دینی در شاهنامه، جایگاه ویژه‌ای است که اخلاق و عدالت در ادبیات حماسی دارند. در ادبیات حماسی، قهرمانان نه تنها به عنوان جنگجویان و دلاوران شناخته می‌شوند، بلکه دارای صفات اخلاقی برجسته‌ای نیز هستند. فردوسی به عنوان یک شاعر حماسی، از آموزه‌های اخلاقی اسلام بهره برد تا شخصیت‌های خود را بر اساس معیارهای اخلاقی بالاتری تعریف کند. قهرمانان فردوسی، همچون رستم، علاوه بر شجاعت، دارای صفاتی چون صداقت، وفاداری و عدالت هستند که این ویژگی‌ها با ارزش‌های اسلامی هم‌خوانی دارند (اسلامی، ۲۰۲۱).

برای مثال، در توصیف عدالت، فردوسی به آیات قرآنی اشاره کرده و آن را به عنوان یکی از معیارهای اصلی پادشاهی عادل معرفی می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که او علاوه بر وفاداری به ریشه‌های ملی، از آموزه‌های دینی به عنوان ابزاری برای تقویت مضامین اخلاقی و انسانی استفاده کرده است.

### ۵. نیاز به مقبولیت اجتماعی و سیاسی

یکی از دلایل مهم ورود مفاهیم دینی به شاهنامه، نیاز فردوسی به مقبولیت اجتماعی و سیاسی در دوران خود بود. شاهنامه اثری بود که نیاز داشت مورد پذیرش مخاطبان گسترده قرار گیرد. با توجه به اینکه جامعه آن دوران اسلامی بود، فردوسی نمی‌توانست صرفاً بر مفاهیم ملی و باستانی تمرکز کند. ورود مفاهیم اسلامی به شعر او، شاهنامه را به اثری تبدیل کرد که در محیط اسلامی قابل پذیرش بود و توانست حمایت مخاطبان و حامیان سیاسی دوران خود را به دست آورد (مرادی، ۲۰۱۹).

## تحلیل و بحث

در این بخش به برخی از تأثیر آموزه‌های قرآن و حدیث بر مضامین مختلف شاهنامه فردوسی پرداخته می‌شود. فردوسی در نگارش شاهنامه از مفاهیمی همچون عدالت، توحید، و اصول اخلاقی بهره برده و این مفاهیم را به صورت ملموسی در شخصیت‌پردازی و وقایع حماسی خود به کار گرفته است.

## مفهوم عدالت در شاهنامه

عدالت یکی از اصول اساسی در قرآن است که در آیات متعدد به آن اشاره شده است: «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم حکم می‌کنید، به عدالت حکم کنید» (قرآن، ۴: ۵۸). فردوسی نیز در شاهنامه به‌ویژه بر اهمیت عدالت تأکید کرده و از آن به عنوان یکی از اصول بنیادین فرمانروایی یاد می‌کند. در داستان‌های شاهنامه، شخصیت‌ها معمولاً بر اساس رعایت عدالت یا عدول از آن قضاوت می‌شوند.

به عنوان مثال، در داستان پادشاهی نوشیروان عادل، فردوسی به وضوح بر اهمیت عدالت پافشاری می‌کند:

«چنین گفت نوشیروان قباد

که چون او نباشد به کشور نژاد

به داد و دهش کو جهان تازه کرد

به داد و دهش کو دل‌ها شاد کرد»

در این بیت‌ها، نوشیروان به عنوان پادشاهی عادل توصیف شده که با دادگری و عدالت‌ورزی توانسته دل‌های مردم را شاد و کشوری آباد بسازد. این مفهوم از عدالت به روشنی از آموزه‌های اسلامی الهام گرفته است، چرا که در اسلام، حاکم عادل کسی است که حقوق مردم را محترم شمارد و از ظلم و ستم خودداری کند (خلیلی، ۲۰۲۱).

## نقش خداوند و توحید در شاهنامه

توحید، یعنی یگانگی خداوند، به عنوان یکی از اصول بنیادین اسلام، در شاهنامه فردوسی به وضوح دیده می شود. فردوسی بارها در سرآغاز داستان ها به خداوند یگانه اشاره می کند و از او برای راهنمایی و هدایت طلب یاری می کند. این نکته نشان دهنده تأثیر عمیق آموزه های قرآنی بر شاهنامه است. به عنوان مثال، در آغاز شاهنامه فردوسی می گوید:

«به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای

خداوند روزی ده رهنمای»

در این ابیات، فردوسی با ستایش خداوند یگانه به عنوان خالق جان و خرد، به روشنی اصل توحید را در اشعارش بیان کرده است. این تکرار و تأکید بر خداوند در اشعار فردوسی، از عمق اعتقاد او به آموزه های توحیدی اسلام حکایت دارد (سلیمی، ۱۳۹۰). همچنین، فردوسی با الهام از قرآن، خداوند را به عنوان منبع اصلی حکمت و هدایت معرفی می کند، که این نکته در سراسر شاهنامه به چشم می خورد.

## مفاهیم اخلاقی در شاهنامه

فردوسی در شاهنامه مفاهیم اخلاقی متعددی مانند صداقت، وفاداری، شجاعت و گذشت را به تصویر می کشد. این مفاهیم نیز به وضوح ریشه در آموزه های اسلامی دارند که در قرآن و حدیث به کرات بر آنها تأکید شده است. به عنوان مثال، در داستان رستم و سهراب، فردوسی از اهمیت وفاداری و حقیقت گویی سخن می گوید. وقتی سهراب از هویت واقعی پدرش بی خبر است و در نبرد با او قرار می گیرد، فردوسی با توصیف این تراژدی اخلاقی، به مخاطبان خود یادآور می شود که صداقت و حقیقت گویی چقدر می تواند از بروز چنین مصیبت هایی جلوگیری کند.

«چو کودک بماند اندر آن ننگ و رنج

بدانگیخت رستم سر از تاج و گنج

به جان و به دل سوگند یاد کرد

که از راه داد و دیانت نگذرد»

در این ابیات، رستم پس از آگاهی از هویت واقعی پسرش، با حسرت از عدم صداقت در بیان هویت خود سخن می‌گوید. این پیام اخلاقی قوی که فردوسی از طریق داستان به مخاطبان منتقل می‌کند، به آموزه‌های قرآنی درباره اهمیت صداقت و راست‌گویی بازمی‌گردد (قرآن، ۳: ۷۷) (احمدی، ۲۰۲۲).

## پیوند میان هویت ایرانی و آموزه‌های اسلامی

یکی از نکات قابل توجه در شاهنامه این است که فردوسی با هنرمندی تمام موفق به ایجاد پیوندی عمیق میان هویت ملی ایرانی و آموزه‌های اسلامی شده است. او با بهره‌گیری از شخصیت‌های اسطوره‌ای و حماسی ایران باستان، ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، اخلاق، و توحید را در قالب داستان‌های تاریخی و حماسی وارد ادبیات فارسی کرده است. این ترکیب ماهرانه، از شاهنامه اثری ماندگار ساخته است که هم‌زمان نماینده فرهنگ ایرانی و اسلامی است (مرادی، ۲۰۱۹).

در بخش‌هایی از شاهنامه، می‌توان ردپای آشکاری از حدیث‌های نبوی را نیز مشاهده کرد. برای مثال، در داستان ضحاک و فریدون، فردوسی به مفاهیمی چون عدالت و مقابله با ظلم می‌پردازد که در حدیث‌های اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این استفاده ماهرانه از آموزه‌های دینی در قالب داستان‌های حماسی، به فردوسی این امکان را داده است که هویت ملی و دینی ایرانیان را به‌طور هم‌زمان تقویت کند.

## نتیجه‌گیری

در بررسی «تأثیر آموزه‌های قرآنی و حدیث بر شاهنامه فردوسی»، می‌توان دریافت که این اثر بزرگ نه تنها به‌عنوان یک حماسه ملی و ایرانی مطرح است، بلکه از بسیاری از ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی الهام گرفته است. فردوسی با درایت و هوشمندی، مفاهیمی مانند عدالت، توحید، و اصول اخلاقی که در قرآن و حدیث به آنها پرداخته شده، را به گونه‌ای در شاهنامه وارد کرده که با هویت ملی و فرهنگی ایرانیان پیوند خورده است. این امر نشان می‌دهد که فردوسی تنها یک شاعر و تاریخ‌نگار نبوده، بلکه متفکری ژرف‌اندیش و اجتماعی بوده که به‌خوبی توانسته است ارزش‌های ملی و دینی جامعه خود را در قالب شعرهای حماسی بیان کند.

ورود این مفاهیم به شعر فردوسی دلایل متعددی دارد. از جمله حفظ و تقویت هویت ملی در دوره‌ای که فرهنگ ایرانی با آموزه‌های اسلامی در تعامل بود، و همچنین تأثیر عمیق اعتقادات دینی فردوسی که به‌عنوان یک مسلمان، آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان بخشی از جهان‌بینی خود وارد شعرهایش کرد. علاوه بر این، شرایط سیاسی و اجتماعی دوران سامانیان و غزنویان که فردوسی در آن می‌زیست، نقش مهمی در شکل‌گیری این مفاهیم ایفا کرد. او با هنرمندی توانست ارزش‌های دینی و

اخلاقی اسلامی را با داستان‌های اساطیری و تاریخی ایران باستان پیوند زند و اثری جاودانه خلق کند که مورد پذیرش جامعه اسلامی نیز باشد.

فردوسی در سراسر شاهنامه به مباحثی مانند عدالت در حکومت، وفاداری، صداقت، و اخلاق انسانی پرداخته است که در آموزه‌های دینی اسلام به‌شدت بر آنها تأکید شده است. با این حال، او با حفظ ریشه‌های فرهنگی و ملی ایران، این مفاهیم را به‌گونه‌ای به کار برده که هم برای مخاطبان ایرانی و هم برای مسلمانان جذاب و پذیرفتنی باشد. از سوی دیگر، ورود آموزه‌های دینی به شاهنامه، به فردوسی امکان داد تا این اثر را از یک حماسه صرف ملی فراتر برده و به یک اثر جهانی تبدیل کند که در آن پیام‌های اخلاقی و انسانی به‌طور گسترده‌ای به مخاطبان منتقل می‌شود.

در نهایت، فردوسی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و حدیث، و پیوند آنها با شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی ایران، شاهنامه را به اثری تبدیل کرد که همزمان نماینده فرهنگ ایرانی و اسلامی است. این امر نه تنها به ماندگاری شاهنامه در تاریخ ادبیات فارسی کمک کرده، بلکه آن را به عنوان اثری فرازمانی و جهانی مطرح کرده است که همچنان مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد.

## منابع و مآخذ

۱. احمدی، حسین. \*فردوسی و اندیشه‌های اسلامی در شاهنامه\*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۴۰۱.
۲. اسلامی، محمد. \*تحلیل اخلاقی شاهنامه فردوسی با تأکید بر مفاهیم دینی\*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۰.
۳. حسینی، علی‌رضا. \*تأثیر فرهنگ اسلامی بر ادبیات حماسی ایران\*. تهران: نشر نی، ۱۴۰۱.
۴. رستمی، مرتضی. \*فردوسی و عدالت در شاهنامه\*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۷.
۵. مرادی، مجتبی. \*تاریخ فرهنگی ایران و اسلام در دوران سامانیان و غزنویان\*. قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۸.
۶. نجفی، مهدی. \*قرآن و ادبیات فارسی: از فردوسی تا مولوی\*. تهران: نشر علمی فرهنگی، ۱۴۰۲.



۷. دهقانی، علی. \*نقش اسلام در شکل‌گیری هویت ملی ایران پس از حمله اعراب\*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۴۰۰.

۸. طالبی، سعید. \*نقد تطبیقی آموزه‌های قرآنی و شاهنامه فردوسی\*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.

۹. موسوی، فاطمه. \*شاهنامه و تأثیرات اجتماعی-سیاسی اسلام در دوران غزنویان\*. مشهد: انتشارات بین‌المللی امام رضا (ع)، ۱۴۰۱.

۱۰. رضایی، زهرا. \*پژوهشی در اخلاق و عدالت‌خواهی در شاهنامه\*. تهران: نشر اختران، ۱۳۹۸.

۱۱. شریعتی، مریم. \*فردوسی و آموزه‌های عدالت اسلامی\*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۴۰۰.

۱۲. بیات، مهدی. \*مطالعه تطبیقی عدالت در قرآن و شاهنامه\*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۹.

۱۳. کریمی، سارا. \*آموزه‌های دینی و تأثیر آن‌ها بر شخصیت‌های حماسی شاهنامه\*. قم: نشر مهر، ۱۴۰۲.

۱۴. رضوانی، علی. \*ادبیات حماسی ایران: از فردوسی تا معاصر\*. تهران: نشر مرکز، ۱۴۰۱.

۱۵. اسلامی‌نیا، رضا. \*پیوند دین و سیاست در شاهنامه فردوسی\*. تبریز: نشر دانشگاه تبریز، ۱۴۰۰.



## The influence of Quran and hadiths on Ferdowsi's Shahnameh

**First author: Mehdi shekarbeigi**

Bachelor student of Persian language and literature education, Farhangian University of Ilam and member of elite foundation

**Second author: Mehdi sarvestani**

Bachelor student of Persian language and literature education, Farhangian University of Ilam

**Third author: Shahab rashidi**

Bachelor student of Persian language and literature education, Farhangian University of Ilam

**Fourth author: Dariush babaeian**

Ph.D. in Philosophy and Islamic Theology, Farhangian University of Ilam

### abstract

Ferdowsi's Shahnameh, as the greatest national epic of Iran, in addition to preserving and reviving the cultural identity of Iranians, also reflects the religious and moral concepts of Islam. This research aims to explain why Quranic teachings and hadith were included in Ferdowsi's Shahnameh, such as monotheism, justice, and other moral principles, and explains how Islamic concepts such as justice, monotheism, and moral principles were included in this work. Ferdowsi lived in a period when Iran was influenced by Islam and by intelligently using Islamic teachings, he was able to create a deep connection between religious values and national identity. The analysis of epic poems and examples in this article shows that Ferdowsi used religious themes not only to strengthen the epic content of the Shahnameh, but also to highlight the moral and justice-oriented virtues in governments. The result of the research shows that Ferdowsi's Shahnameh is an eternal and comprehensive work, which is a representative of both Iranian and Islamic culture, due to this connection of religious and national concepts.

**Key words:** Ferdowsi's Shahnameh, Quranic teachings, Hadith, Iranian culture